

گفتاری پیرامون نقش زن در انقلاب اسلامی

• رحیم نیکبخت*



زن و هویت

در تحولات تاریخ معاصر ایران، زن مسلمان موضوع مهمی است که مسائل متعددی پیرامون آن طرح شده است. زن مسلمان با توجه به جایگاه مهم آن از منظر همسر، مادر، فرزند و خواهر مورد توجه بوده است، به ویژه آن که نقش سرنوشت‌سازی در تربیت و هویت‌سازی با زن در جایگاه مادر داشته و دارد. تعرض و هجوم به هویت ایرانی اسلامی نیز از همین موضع مهم و حساس شروع گردیده است زیرا با تأثیرگذاری بر آن، گستره‌ی وسیعی از جامعه متأثر می‌شود. کشف حجاب زنان که توسط رضاشاه انجام گرفت، اقدامی سازمان‌یافته برای تخریب هویت ملی به شمار می‌رفت،^۱ و با خشونت و قوای نظامی عملی شد که پرداختن به آن در حوصله این بحث نیست.^۲ با این حال ذکر این نکته ضروری است رسائل متعددی که علما و مراجع در باب حجاب و ضرورت آن نگاشته‌اند، اهمیت آن را در جامعه‌ی اسلامی ایران نشان می‌دهد، تا جایی که رمز حیات جامعه‌ی اسلامی و مشخصه‌ی هویتی آن به شمار می‌رود و آن را از سایر جوامع متمایز می‌کند.^۳ ضمن آن که جریان کشف حجاب با مقاومت‌های سرسختانه‌ای

درآمد

انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، نتیجه‌ی مشارکت اقشار مختلف مردم ایران اعم از زن و مرد، پیر و جوان، شهری و روستایی و... بود. زنان ایران اسلامی هم-گام و هم‌دوش با مردان در عرصه‌های مختلف حضور داشته و نقش مهمی ایفا کرده‌اند تا جایی که می‌توان گفت نقش زنان اگر بیشتر از مردان در انقلاب اسلامی نباشد، مسلماً کمتر نیست. زنان مسلمان در انقلاب اسلامی علاوه بر حضور خود در مبارزات به عنوان زن در جایگاه مادر، همسر، خواهر و فرزند مبارزان ایفای نقش کرده‌اند. نگارنده طی بیش از یک دهه حضور در مسئولیت‌های پژوهشی در مرکز اسناد انقلاب اسلامی و راهنمایی طرح‌های متعدد پژوهشی با موارد متعددی از فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و مبارزاتی زنان مسلمان در منابع و اسناد و خاطرات برخورد کرده است و براساس این یافته‌ها، طرحی اولیه برای طرح مسأله و بررسی عمیق موضوع ارائه می‌دهد. امید آنکه این طرح مقدماتی بتواند راهنمای انجام پژوهش‌های بهتر و عمیق‌تری باشد.

هم همراه بوده است که می‌تواند موضوع یک پژوهش مفصل باشد.^۴

از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۱

در سوم شهریور، قوای بیگانه ایران را به اشغال خود درآوردند. علی‌رغم اشغال ایران و تلخی حضور بیگانگان و مداخله در امور کشور، مردم ایران از رفتن رضاشاه خوشحال بودند. دلیل عمده‌ی این خوشحالی سیاست‌های ضدملی و اسلامی به‌ویژه کشف حجاب بود. در این ایام برخی انجمن‌های اسلامی خاص بانوان هم تشکیل شد.^۵

جمعیت فدائیان اسلام در تاریخ معاصر ایران، اولین گروه مبارزی است که با انتشار برنامه، به ترسیم جامعه‌ی ایده‌آل اسلامی موردنظر خود پرداخت. این جمعیت که از مبارزه علیه کسروی و عقاید او شکل گرفته بود، وارد مبارزات سیاسی اجتماعی هم شد.^۶ در «برنامه‌ی فدائیان اسلام» که به صورت کتابی در سال ۱۳۲۹ انتشار یافت، توجه خاصی به مسائل زنان و نقش آنان در سلامت جامعه‌ی اسلامی شده است تا جایی که در «بیان ریشه‌های مفاسد خانمان سوز ایران و جهان» به صورت مشروح به آن می‌پردازد.^۷ شهید نواب صفوی در وظایف «شهرستانی و امنیه، اجرای احکام اسلام» قید می‌کند: «از عبور و مرور زنانی که به حجاب اسلام طبق مقررات شرع مقدس پوشیده نیستند، جلوگیری می‌کنند. از ظلم و تعدی و فحش و هتاکی و ایذاء و خیانت و هرگونه تجاوز از حدود مقررات اسلام در سراسر کشور جلوگیری می‌کنند».^۸ فدائیان اسلام در دوره‌ی فعالیت خود اهتمام ویژه‌ای به اجرای احکام شرعی در جامعه، به ویژه در مورد زنان و حفظ حریم و حرمت حدود شرعی آن‌ها داشتند.^۹

شروع نهضت اسلامی

در تاریخ انقلاب اسلامی یکی از موضوعات مهم، عکس‌العمل علما و مراجع به لایحه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود که علاوه بر حذف سوگند به قرآن، شرط اسلام

با دستگیری گسترده‌ی اعضای هیأت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی، همسران و خواهران مبارزان دستگیرشده وارد مبارزه شدند. و در اولین حرکت گسترده، حدود ۱۵۰ نفر از آنان ۱۳۴۴ در مقابل نخست‌وزیری اجتماع کردند.

شهید آیت‌الله علی قدوسی با توجه به شرایط جامعه و نیاز روزافزون به خواهران تحصیل‌کرده حوزوی، «مکتب توحید خواهران» را با هزینه فرد خیری به نام حاج عبدالله توسلی در سال ۱۳۵۲ دایر کرد.

برای انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان، اعطای حق انتخاب به زنان داده می‌شد.

مخالفت علما و مراجع با این اقدام رژیم از موضوعات قابل بررسی است. رژیم پهلوی در تبلیغات خود چنان وانمود می‌کرد که علما و مراجع مخالف اعطای حقوق زنان هستند در حالی که مخالفت مراجع و در رأس آن‌ها امام خمینی، مبنایی بود. ایشان معتقد بودند:

«مگر با چند تا زن فرستادن به مجلس ترقی حاصل می‌شود؟... ما می‌گوییم این‌ها را فرستادن در این مراکز جز فساد چیزی نیست... ما با ترقی زنان مخالف نیستیم؛ با این فحشا مخالفیم».

حضرت امام از خدعه و نیرنگ رژیم پهلوی به خوبی آگاه بود، بیان می‌کرد: «مگر مردها آزادند که زن‌ها می‌خواهند آزاد باشند؟ آزادمرد و آزادزن با لفظ درست می‌شود؟»^{۱۰} از طرف دیگر اقدام خودسرانه و غیرقانونی دولت در وضع قانون در تعطیل بودن مجلس، دلیل دیگر مخالفت علما و مراجع به حساب می‌آید.

از نکات جالب در رابطه با نهضت اسلامی و نقش و جایگاه زنان حضور زنان در قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ در حمایت از امام خمینی و اعتراض به دستگیری ایشان است. عوامل و رژیم پهلوی در پی سخنرانی شدیدالحن و حماسی امام خمینی در عصر عاشورا در مدرسه‌ی فیضیه، در ساعت ۳/۳۰ بامداد ۱۵ خرداد به منزل وی یورش برده ایشان را دستگیر و به سرعت به تهران انتقال دادند. در ساعات اولیه‌ی صبح ۱۵ خرداد خبر دستگیری امام خمینی در سراسر ایران به سرعت منتشر شد و قیام تاریخی مردم ایران در حمایت از مبارزات اسلامی شکل گرفت. مردم قم به سمت مدرسه فیضیه به حرکت درآمدند و شعار می‌دادند: «یا مرگ یا خمینی». به روایت اسناد در ساعت ۹ صبح ۱۵ خرداد تعداد زیادی از زنان قم ضمن برپایی تظاهراتی در مسجد اعظم در حمایت از امام خمینی اجتماع کردند.^{۱۱}

تصویب کاپیتولاسیون، سخنرانی شدیدالحن و تاریخی امام خمینی را در پی داشت.^{۱۲} رژیم پهلوی در عکس‌العمل به



سخنرانی اعتراض‌آمیز امام ایشان را در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ به ترکیه تبعید کرد،^{۱۳} دوران تبعید امام خمینی از سال ۱۳۴۳ تا اوج‌گیری نهضت اسلامی در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۵۶ ادامه یافت. در این دوره‌ی ۱۳ ساله دو گونه مبارزات در ایران به راه افتاد: الف: مبارزات مسلحانه، ب: مبارزات فکری و فرهنگی. در ادامه بحث به تشریح این دو جریان و حضور و نقش زنان می‌پردازیم.

الف: مبارزات مسلحانه

اولین حرکت مسلحانه در اعتراض به تبعید امام خمینی توسط هیأت‌های مؤتلفه اسلامی، با اعدام انقلابی حسنعلی منصور صورت گرفت. با دستگیری گسترده‌ی اعضای هیأت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی، همسران و خواهران مبارزان دستگیر شده وارد مبارزه شدند. از آن جمله در اولین حرکت گسترده، زنان و همسران اعضای دستگیر شده که حدود ۱۵۰ نفر می‌شدند در تابستان ۱۳۴۴ در مقابل نخست‌وزیری اجتماع کردند.

«در یکی از روزهای داغ تابستان ۱۳۴۴ نزدیک به ۱۵۰ نفر از زنان در حالی که چادر به سر داشتند و عده‌ای هم پوشیه و روپند زده بودند در مقابل دفتر نخست‌وزیر جمع شدند و آرام آرام تظاهراتی را شکل دادند... عده‌ای از آن‌ها از جمله خواهر شهید صادق اسلامی که به حق شیرزنی بود، شروع به سخنرانی کرد و با صحبت‌های انقلابی، پر شور و داغ خواهر شهید امانی، وضعیت تحریک‌آمیز و حساس شد».^{۱۴}

در طول نهضت اسلامی موارد دیگری از چنین اقدامات بانوان مسلمان و مبارز گزارش شده است.^{۱۵}

سازمان مجاهدین خلق، تا پیش از تغییر مواضع ایدئولوژیک و انتخاب مرام مارکسیستی، مهم‌ترین گروه مسلحانه‌ی مبارز بود که تعدادی از اعضای آن را زنان مسلمان تشکیل می‌دادند.^{۱۶} در پی تغییر مواضع ایدئولوژیک و غلبه جریان مارکسیستی توسط اعضای کادر سازمان^{۱۷} گروهی از اعضا تغییر مواضع دادند نماز و روزه و احکام شرعی را کنار گذاشتند و گروهی دیگر مواضع اسلامی خود را حفظ کردند.^{۱۸}

در مبارزات سیاسی دوران قبل از انقلاب، زنان مسلمان در جایگاه‌هایی که داشته‌اند، مبارزات شایسته‌ای نموده‌اند. به عنوان مثال در جایگاه همسر و هم‌رزم می‌توان از خانم‌ها **طاهره سجادی همسر آقای غیوران**،^{۱۹} مرحوم خانم **عصمت‌السادات نصری همسر سید مرتضی نبوی**،^{۲۰} خانم **سیل‌سپور همسر شهید اندرزگو**^{۲۱} و... نام برد. علاوه بر آن حتی برخی زنان چون خانم **مرضیه حدیدیچی** در دوران انقلاب و بعد از آن در جمع یاران امام خمینی در پاریس مسئولیت‌های حساسی هم بر عهده داشت و مدت‌ها مسئولیت سپاه پاسداران همدان را عهده‌دار بود.^{۲۲}

در بین گروه‌های مبارز سازمان مهدویون از جایگاه خاصی

برخوردار می‌باشد به ویژه آنکه این گروه با ایدئولوژی اسلامی وارد مبارزه مسلحانه علیه حکومت پهلوی شده بود. در این گروه مبارز زنان حضور مؤثری داشتند^{۲۳} و در جریان مبارزه مسلحانه دو نفر از اعضای آن (سازمان شاخه تبریز) به شهادت رسیدند. در تاریخ سیزدهم اردیبهشت سال ۱۳۵۶ خبری که حکایت از شهادت دو نفر به اسامی **مرتضی واعظی** و **همسرش فاطمه جعفریان** از اعضای گروه مهدویون در تبریز داشت منتشر شد. یکی از دانشجویان مبارز دانشگاه تبریز در این باره گفته است:

«در پی انتخاب زندگی مخفی عده‌ای از اعضای گروه مهدویون در اصفهان، چهار نفر از اعضای این گروه به تبریز می‌آیند که عبارت بودند از: **ابراهیم جعفریان، طیبه واعظی، مرتضی واعظی و فاطمه جعفریان**. طیبه واعظی، خواهر مرتضی واعظی و همسر **ابراهیم جعفریان** بود و **فاطمه جعفریان** خواهر **ابراهیم جعفریان همسر مرتضی واعظی**».^{۲۴}

ب: مبارزات فکری و فرهنگی

انقلاب اسلامی ایران اگرچه انقلابی سیاسی با ماهیت کاملاً اسلامی است، با این حال انقلابی فرهنگی و فکری به شمار می‌رود. بدون تردید آنچه در بهمن ۱۳۵۷ در صحنه سیاسی ایران روی

در اصفهان به سرپرستی «سیده نصرت بیگم‌امین» انجمنی به نام «انجمن بانوان مسلمان اصفهان» تشکیل شده بود که علاوه بر فعالیت‌های مذهبی و جلسات دینی، در مبارزات سیاسی علیه رژیم پهلوی هم فعالیت می‌کرد.

دانشکده‌ها، فرزندان خود را از چنگال بدآموزی‌های دیگران نجات داده و مستقلاً در آموزش و پرورش نوباوگان خود دخالت داشته باشند، در حدود سال ۱۳۲۶ هـ. ش، در زمانی که به دنبال سیاست‌های آموزشی رژیم، فقط دبستان‌های دولتی با شیوه و برنامه‌های ضددینی و غربی وجود داشت، اقدام به تأسیس دبستان نو دخترانه نمود. این حرکت مرحوم فومنی که اولویت را به ایجاد دبستان دخترانه داده بود، از سوی برخی عناصر متعصب و منفی‌باف مذهبی مورد اعتراض واقع شد. در شرایطی که بسیاری از متدینین، به خاطر وجود بدآموزی‌ها و انحرافات مدارس دولتی، دختران خود را از تحصیل محروم نموده بودند، زیرا جز این راهی نمی‌دیدند و همه راه‌ها برای تربیت صحیح دختران خود را بسته می‌انگاشتند، مرحوم فومنی اقدام به تأسیس چنین مدرسه‌ای نمود. این اقدام شجاعانه ایشان بسیار چشمگیر و مورد توجه قرار گرفت. آن مرحوم با استقامت و ثبات قدمی که در اقدامات خود داشت، از موضع و دیدگاهش صرف‌نظر نکرده و با قدرت و قوت استحکام پایه‌های مدرسه دخترانه همت گمارد و با همکاری همسر گرامی خود، مسئولیت مدرسه را به دوش گرفته بود، توانست در طول فعالیت خود، هزاران دختر و مادر مسلمان و بافضیلت تحویل جامعه دهد.

مرحوم آیت‌الله فومنی در جواب نامه‌ای که به مناسبت تأسیس دبستان نو نوشته شده بود و این پاسخ توسط اتحادیه دینی مسجد نو به صورت جزوه‌ای در سال ۱۳۷۱ هـ. ق چاپ و منتشر شده است چنین می‌نویسد:

«... در حدود ده سال است در تهران مشغول انجام وظیفه بوده و چنین تشخیص داده‌ام که اساس همه مفاسد، فرهنگ است و هر جنایت و خرابکاری که در کار هست تماماً از آنجا است. و شکی نیست که پست فرهنگ یک موقعیت مهمی است که می‌توان بدان وسیله یک مملکت را به بدبختی انداخت و نیز ممکن است از این راه یک جامعه را به سعادت و نورانیت، سوق داد. با توجه به وضع فرهنگ در ممالک اسلامی، من همیشه دچار اضطراب عجیبی بودم و وقتم، به ناراحتی می‌گذشت. شما ببینید چگونه انسان راحت باشد و مشاهده کند، یک چنین شاه‌رگ و سنگر حیاتی مسلمانان در اختیار تام دشمن باشد و جامعه به قدری سطحی اغفال شده

داد، حاصل فعالیت‌های فکری و فرهنگی نیروهای مذهبی در ایام تبعید امام بوده است و مصداق عینی تحقق آیه‌ی شریفه قرآن که «ما سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهیم مگر آن که خود آن‌ها خواهان تغییر در سرنوشت خود باشند». در طی سال‌های تبعید امام خمینی (ره)، در مبارزات فکری و فرهنگی انقلابی زنان جایگاهی ویژه دارد که به فرازهایی آن می‌پردازیم:

۱- حوزه‌های علمیه خواهران

در دوران تبعید امام خمینی فعالیت‌های چشمگیری در تأسیس حوزه‌های علمیه خاص زنان صورت گرفت. در قم نخستین حوزه‌های علمیه توسط مراجع عظام وقت، آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله شریعتمداری دایر شد. مدرسه‌ی «الزهرا(ع)» وابسته به دارالتبلیغ اسلامی بود.^{۲۵} شهید آیت‌الله علی قدوسی با توجه به شرایط جامعه و نیاز روزافزون به خواهران تحصیل کرده حوزوی، «مکتب توحید خواهران» را با هزینه فرد خیری به نام حاج عبدالله توسلی در سال ۱۳۵۲ دایر کرد. سرپرستی و مدیریت آن را به خانم امینی از مدرسین کاردان مدرسه سپرد. این مدرسه با حدود هشتاد طلبه به صورت شبانه‌روزی دایر بود.^{۲۶}

علاوه بر قم در اصفهان به سرپرستی «سیده نصرت بیگم‌امین معروف به بانوی ایرانی مجتهد»^{۲۷} انجمنی به نام «انجمن بانوان مسلمان اصفهان» تشکیل شده بود که علاوه بر فعالیت‌های مذهبی و جلسات دینی در مبارزات سیاسی علیه رژیم پهلوی هم فعالیت می‌کرد.^{۲۸} در مشهد هم با هدایت و راهنمایی علمای مبارزی چون آیت‌الله سید علی خامنه‌ای فعالیت‌های ارزشمندی صورت گرفت که حساسیت ساواک را برانگیخت.^{۲۹}

۲- مدارس اسلامی

دبستان نو مخصوص دوشیزگان

اولین مدارس اسلامی مختص دختران، توسط مرحوم آیت‌الله شیخ جواد فومنی حائری در سال‌های بعد از ۱۳۲۰ دایر شد. مرحوم آیت‌الله فومنی با این طرز تفکر که متدینین، باید از راه فرهنگ و تأسیس دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و حتی



عباسعلی اسلامی^{۳۱} دارای بیشترین مدارس غیر دولتی در سراسر کشور گسترده شده بود. جامعه‌ی تعلیمات اسلامی از مجموع بیش از یکصد و هشتاد مدرسه خود در تهران و شهرستان‌ها، دارای ۲۶ باب مدرسه در مقطع دبستان، ۱۳ باب مدرسه در مقطع راهنمایی و چهار باب مدرسه در مقطع دبیرستان خاص دختران با بیش از هشت هزار دانش‌آموز دختر بود.^{۳۲}

مدرسه نمونه دخترانه

تحصیل دختران یکی از دغدغه‌های مهم نیروهای مذهبی در زمان پهلوی بود. وضعیت مدارس دولتی موجب شده بود مردم متدین از تحصیل دختران خود در آن مدارس خودداری کنند. علاوه بر فعالیت‌های گسترده که مرحوم آیت‌الله شیخ عباسعلی اسلامی با دایر کردن مدارس اسلامی داشت در قم مرحوم آیت‌الله حائری تهرانی مدرسه‌ای برای دختران دایر کرد و علما و مراجع قم اغلب دختران خود را برای تحصیل به این مدرسه می‌فرستادند.^{۳۳}

مدرسه رفاه

مدرسه رفاه از مؤسسات مهم فرهنگی نیروهای مذهبی در قبل از انقلاب اسلامی است که پوششی برای فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی بود. قسمت عمده زنان مبارز که بعدها در جریان مبارزات سیاسی و مسلحانه و دستگیر و به زندان افتادند در ارتباط با این کانون بودند.^{۳۴}

۳- جلسات وعظ و درس

جلسات دینی و هیات‌های مذهبی، از دیگر کانون‌هایی بود که علاوه بر فعالیت‌های دینی و مذهبی محفل‌هایی برای روشنگری و آشنایی با مبارزات انقلابی بود. از جمله شهید آیت‌الله محمدرضا سعیدی کلاس‌هایی برای بانوان دایر کرده بود که تعدادی از شاگردان وی از مبارزان بودند.^{۳۵} چنین فعالیتی توسط شهید آیت‌الله دکتر محمد مفتاح هم در سال‌های قبل از انقلاب صورت گرفته است.^{۳۶} در دوره‌ی فعالیت حسینه‌ی ارشاد هم برنامه‌های مذهبی برای بانوان تدارک دیده شده بود. در حسینه

که به یک دعای سحر که از رادیو پخش می‌کنند! دلش آرام بگیرد و در صدد رفع بدبختی‌های خود نباشد».

در ادامه چنین می‌نویسد:

«... لذا ناچار تأسیس اتحادیه نموده، شروع به تهیه و سازمان مسجد و بالاخره پیش‌نمازی و منبر و سخنرانی‌ها و نشریه‌ها و همه این‌ها را مقدمه‌ی رسیدن به این هدف عالی دانسته و در مرتبه‌ی اول در صدد تأسیس دبستان برای دوشیزگان برآمدم».

حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین فومنی، فرزند مرحوم آیت‌الله فومنی بیان می‌دارند که یکی از شروط ثبت‌نام دانش‌آموزان دختر در این مدرسه پوشش کامل اسلامی شامل چادر مشکی و روبند بود. این شرط موجب مخالفت وزارت فرهنگ وقت قرار گرفت و وزیر فرهنگ در ملاقاتی که با مرحوم فومنی داشتند، تقاضا کردند از این حرکت جلوگیری شود. اما آن مرحوم پاسخ دادند، اگر شما طی قانونی به مدارس اعلام کنید که دانش‌آموزان دختر با پوشش مناسب (لباس بلند، شلوار و روسری) به مدارس بروند من هم از این شرایط چشم‌پوشی می‌کنم. نهایتاً پیشنهاد مرحوم فومنی مقبول رژیم واقع نگردید و ایشان نیز به همان رویه و برنامه‌ی خود اقدام به پذیرش و ثبت‌نام دختران می‌نمودند.^{۳۷}

جامعه تعلیمات اسلامی

در پیش از انقلاب، جامعه تعلیمات اسلامی به مدیریت آیت‌الله

اولین مدارس اسلامی مختص دختران،

توسط مرحوم

آیت‌الله شیخ جواد فومنی حائری

در سال‌های بعد از ۱۳۲۰ دایر شد

تحصیل دختران یکی از دغدغه‌های مهم نیروهای مذهبی در زمان پهلوی بود. وضعیت مدارس دولتی موجب شده بود مردم متدین از تحصیل دختران خود در آن مدارس خودداری کنند

ارشاد محل زنان و مردان از هم جدا بود.^{۳۷}

حجاب نماد هویت زن مسلمان در مبارزه با رژیم

پس از اقدامات گسترده و خشونت‌آمیز رضاشاه در تحمیل بی‌حجابی به زنان مسلمان ایران، مسأله حجاب بزرگ‌ترین چالش نیروهای مذهبی و در رأس آن علما و مراجع و رژیم پهلوی شد. حجاب علاوه بر یک واجب شرعی و سنت اسلامی، به یک نماد سیاسی مذهبی در مخالفت با رژیم پهلوی مطرح گردید.^{۳۸} محمدرضا پهلوی چون پدرش از حجاب به ویژه چادر تنفر داشت و از آن به «کفن سیاه» تعبیر می‌کرد. رژیم پهلوی به هر میزان که احساس قدرت و اقتدار می‌کرد، دامنه تعرض خود را به مسائل مذهبی گسترش می‌داد. در سال ۱۳۵۲ طی بخشنامه‌ای استفاده از چادر در دبیرستان‌ها ممنوع اعلام شد. ناراضی‌های علما و مراجع تأثیری در جلوگیری از اقدام رژیم پهلوی نداشت؛ با این حال در خرداد سال ۱۳۵۵ شاه به هیأت دولت ابلاغ کرد «مخالفتی با روسری سر کردن دختران در مدارس یا دانشگاه‌ها ندارد، اما چادر اصلاً امکان ندارد».^{۳۹}

رژیم پهلوی تلاش داشت دانشجویان را به مسائل جوانی مشغول دارد از این‌رو، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای برای ترویج فساد به اشکال مختلف در دانشگاه‌ها صورت می‌گرفت با این حال گرایش روزافزون دانشجویان دختر به حجاب اسلامی طی دوران نهضت با حساسیت و هراس رژیم مواجه گردید. رئیس شهربانی کل کشور در سال ۱۳۵۵ طی گزارش به ریاست ساواک اعلام می‌کند:

«از اوایل سال تحصیلی جاری تعدادی از دانشجویان دختر (به ویژه سال اول) با چادر به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی رفت و آمد می‌نمایند. چون موضوع قابل توجه به نظر می‌رسد، لذا خواهشمند است دستور فرمایید در مورد ادامه این وضع و یا جلوگیری از ورود آنان به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نظریه اعلام دارند».^{۴۰}

رئیس ساواک در پی گزارش فوق، دستور می‌دهد به دبیر کل حزب رستاخیز اعلام شود با تشکیلات دانشجویی حزب رستاخیز به رویارویی با حجاب دختران مسلمان بپردازند و با مسخره کردن آن‌ها و «ایجاد جو و هو کردن کلاغ سیاه و نظیر آن

کاری کنند که نتوانند با چادر بیایند یا چادر را از سر بردارند».^{۴۱} در ادامه، مرور گزارش ساواک تهران؛ اداره کل سوم ساواک جالب توجه است:

«... در این مورد دبیرکل حزب رستاخیز ملت ایران اظهار نمود جناب آقای نخست‌وزیر اوامر را به وزرای علوم و آموزش عالی و آموزش و پرورش ابلاغ نموده‌اند که داخل مدارس و دانشکده‌ها و مؤسسات عالی آموزش نباید با چادر تردد نمایند و مسئولیت با این دو وزارتخانه می‌باشد».^{۴۲}

علم در اردیبهشت سال ۱۳۵۵ وقتی در دانشگاه شیراز در جمع سه هزار نفر دانشجوی، «بیست سی نفر» دانشجوی دختر چادری مشاهده کرد، به وحشت افتاد و موضوع را به اطلاع شاه رساند و از این واقعت اوقات شاه تلخ شد.

با گسترش حجاب، رژیم پهلوی تلاش گسترده‌ای برای ممانعت از آن به عمل آورد مثلاً مسئولان کانون پرورش فکری کودکان تصمیم گرفتند «دخترانی را که با روسری به کتاب‌خانه‌های کانون پرورش می‌آیند راهشان ندهند» در ضمن در شورای هماهنگی امور اجتماعی وابسته به نخست‌وزیری به ریاست عبدالمجید مجیدی وزیر مشاور طراحی همه‌جانبه برای مقابله با حجاب تهیه گردید که در آن ۱۶ راهکار مبارزه با چادر زنان مسلمان مشخص شده بود. با تمام تلاش‌های رژیم پهلوی، هر روز بر تعداد زنان چادری افزوده می‌شد و «وج گیری قدرت نیروهای مذهبی را بیشتر به نمایش می‌گذاشت. این مسأله چنان اهمیت یافت که نقش زنان چادری در پیروزی انقلاب اسلامی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی شد».^{۴۳}

زنان در دوران انقلاب

اولین تظاهرات زنان اوج‌گیری نهضت اسلامی

اولین تظاهرات زنان مسلمان در تاریخ انقلاب اسلامی در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ در حمایت از امام خمینی در قم اتفاق





«زنان در انقلاب ایران به اشکال مختلف تظاهرات کردند و به اشکال مختلف مبارزه کردند، ولی بزرگترین بسیجی که زنان در این انقلاب کردند روز عید فطر بود که مسلمان‌ها ترتیب داده بودند. برای اولین بار بود که در تظاهرات همه نه تنها با حجاب اسلامی بلکه با چادر سیاه آمده بودند و برای ماها که از دور تماشا می‌کردیم این تظاهرات عجیب‌ترین منظره‌هایی بود که دیدیم و یکه خوردیم که این‌ها خانواده‌های این افراد مذهبی بودند که آمده‌اند».^{۴۸}

در وقایع شهریور ماه سال ۱۳۵۷ به ویژه ۱۷ شهریور بانوان حضور مؤثری داشتند و در واقعه میدان ژاله اولین شهید خود در دوران انقلاب - محبوبه دانش فرزند حجت‌الاسلام دانش آشتیانی - را تقدیم کردند.^{۴۹} زنان مسلمان ایران علاوه بر حضور در تظاهرات‌ها به همراه همسران و فرزندان خود نقش مهمی در امدادسانی به مجروحان درگیری‌های خیابانی ایفا می‌کردند. در همین مورد به ایجاد بیمارستان صحرائی توسط

افتاد و اولین تظاهرات در دوران اوج‌گیری نهضت اسلامی در سال ۱۳۵۶ در سال‌روز کشف حجاب یعنی ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ در شهر مذهبی مشهد توسط زنان مسلمان برپا گردید بر همین اساس زنان را می‌توان پیشگام مبارزات دانست. این تظاهرات که پس از شهادت حاج آقا مصطفی خمینی در اول آبان ۱۳۵۶ برگزار شد، از حوادث مهم تاریخ انقلاب اسلامی مشهد است. در این تظاهرات بیش از یک صد تن از بانوان محجبه حضور داشتند و ضمن اعتراض به کشف حجاب در خیابان‌های اصلی شهر به تظاهرات پرداختند. این بانوان با حمل پارچه‌نوشته‌ای «ما زنان مسلمان خراسان، آزادی خواهران دربند خود را خواهیم» دستگیر شده بودند.^{۴۴} ماشین‌های پلیس در نزدیک میدان شهدا تظاهرکنندگان را پراکنده و عده‌ای را دستگیر کردند. آیت‌الله العظمی سید عبدالله شیرازی نیز در پی این حادثه، در حمایت از تظاهرات زنان مسلمان درس خود را تعطیل کرد.^{۴۵}

هم‌زمان با این اعتراض بانوان مشهدی به کشف حجاب، روزنامه اطلاعات و روزنامه‌های دیگر^{۴۶} در اقدامی سازمان‌یافته به انتشار مطالب اهانت‌آمیزی نسبت به حضرت امام پرداختند و اولین عکس‌العمل در قم بروز کرد. این اقدام منفعلانه رژیم در عکس‌العمل به مقبولیت و طرح نام و یاد امام خمینی صورت گرفت. در جریان قیام مردم قم در ۱۹ دی ماه زنان قمی حضور فعالی داشتند. حرکتی که از قم شروع شده بود توسط مردم غیور و متدین تبریز ادامه پیدا کرد.

در قیام ۲۹ بهمن تبریز که در حمایت از امام خمینی (ره) و اعتراض به رژیم پهلوی در چهل‌شدهای قیام قم صورت گرفت حضور گسترده زنان موجب شگفت محققان غربی گردیده بود.^{۴۷} در چهل‌م قیام ۲۹ بهمن تبریز مردم یزد و جهرم و اهواز بپا خاستند و در چهل‌شدهای مردم یزد و جهرم و اهواز شهرهای دیگر همراه با فراگیر شدن دامنه اعتراضات در سراسر کشور حضور زنان در مراحل مختلف نهضت قابل مشاهده است. حضور گسترده زنان در اولین تظاهرات عظیم مردم تهران در عید فطر سال ۱۳۵۷ گزارش شده است:

زنان در انقلاب ایران به اشکال مختلف تظاهرات کردند

و به اشکال مختلف مبارزه کردند،
ولی بزرگترین بسیجی که زنان
در این انقلاب کردند روز عید فطر بود
که مسلمان‌ها ترتیب داده بودند

نقش و جایگاه زن در تاریخ انقلاب اسلامی جدا از نقش مردان نبوده و نیست یا به عبارت دیگر بررسی نقش مردان بدون بررسی نقش زنان میسر نخواهد بود

یک مبارز در تاریخ انقلاب اسلامی در برهه‌های حساس نقش خود را به خوبی ایفا کرده است که تداوم آن را در هشت سال دفاع مقدس می‌توان دید.

خانم دکتر طاهره لباف در جریان تظاهرات روز تاسوعا و عاشورا ۲۰ ۱۹ آذر ماه ۱۳۵۷ اشاره کرد: «بخشی از خاطرات خانم دکتر طاهره لباف را به عنوان یک نمونه‌ای از هزاران زن مبارز ایرانی مرور می‌کنیم:

«شرکت در راهپیمایی

در راهپیمایی سال ۵۷، پسر اول من شش ماهه بود. راهپیمایی از صبح شروع می‌شد تا عصر ادامه داشت. و این‌گونه نبود که مثلا دو ساعت قبل از نماز جمعه برگزار شود، اما یک احساس یک‌رنگی، هماهنگی و همکاری زیبایی در راهپیمایی‌ها وجود داشت که من به یاد ندارم در هیچ‌کدام از این راهپیمایی‌ها بیش از نیم‌ساعت بچه خود را بغل کرده باشیم و همیشه خانم‌ها و افراد مختلف این بچه‌بغل‌ها را کمک و دست به دست می‌کردند. من واقعا آرزو می‌کنم که همدلی و یک‌رنگی ملت عزیز ما دوباره به آن‌ها برگردد. آن زمان وقتی حضرت امام (ره) ندا در می‌دادند، دیگر مسأله کار و زندگی و اینکه کسی دنبال پول باشد برای افراد مهم نبود و من که بچه‌شیرده بودم و از صبح تا عصر در خیابان‌ها راهپیمایی می‌کردم، حتی در این فکر نبودم که یک پرتقال برای خودم داخل کیفم بگذارم. در اکثر این راهپیمایی‌ها ما صبح اول غسل شهادت می‌کردیم بعد راه می‌افتادیم و معلوم هم نبود که برمی‌گردیم یا آنکه بازگشتی در بین نیست. و عصر که برمی‌گشتیم، نماز خود را خوانده و غذای خود را خورده بودیم. یک صبح تا عصر بچه بغل کردن خیلی سخت بود، اما هیچ‌گاه خسته نمی‌شدیم و انرژی یا چیز دیگری بود که ما را واقعا به صحنه می‌کشاند. و این همدلی و هم‌رنگی و احساس کمی که افراد نسبت به هم داشتند بسیار خوب بود».

فرجام سخن

نقش و جایگاه زن در تاریخ انقلاب اسلامی جدا از نقش مردان نبوده و نیست یا به عبارت دیگر بررسی نقش مردان بدون بررسی نقش زنان میسر نخواهد بود. نقش زنان را حتی مؤثرتر از نقش مردان می‌توان ارزیابی کرد؛ زیرا نقش مهم فرهنگ‌پذیری و فرهنگ‌سازی در جامعه مختص ایشان است. از این روست که سیاست‌های غرب‌گرایانه حکومت پهلوی، بیشترین تلاش را برای تغییر هویت اسلامی زنان ایرانی داشت. با این حال، زن مسلمان در جایگاه مادر همسر و فرزند و مهم‌تر از همه به عنوان

پی‌نوشت

- * مدیر بخش تدوین اسناد و تاریخ شفاهی مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۱. نخست بار قره‌العین مبلغ بابتی کشف حجاب نمود و به تبع آن در عصر مشروطه عباس افندی رئیس تشکیلات سیاسی فرقه بهائیت دستور کشف حجاب مردان خود را صادر کرد. ر.ک. به: خاطرات صبحی، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
 ۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک. به:
 - تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸.
 - خشونت و فرهنگ (اسناد محرمانه کشف حجاب ۱۳۲۲-۱۳۱۳ ش)، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱.
 - فاطمه استادملک، حجاب و کشف حجاب در ایران، تهران، عطایی، ۱۳۶۷.
 ۳. برای اطلاع بیشتر ر.ک. به: رسول جعفریان، داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
 ۴. محمد رضایی، «کشف حجاب در آذربایجان»، نقش آذربایجان در هویت ایران، به کوشش رحیم نیکبخت، تهران، وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری، معاونت فرهنگی اجتماعی، ۱۳۸۶ (زیر چاپ) و نیز، داود امینی، چالش‌های روحانیت با رضاشاه، تهران، نشر سیاس، ۱۳۸۲.
 ۵. از جمله انجمن اسلامی بانوان در مشهد (روح‌الله حسینیان، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۴۷۰) و انجمن اسلامی بانوان که در تهران به پیشنهاد آیت‌الله طالقانی جلسات آن به وسیله خود زنان اداره می‌شد. جلسات انجمن در منازل افراد مختلف برگزار می‌شد. البته بعضی مواقع نیز مراسم سخنرانی در مدرسه کمال برگزار می‌شد. (اعظم مرادحاصلی خامنه، تاریخ شفاهی مبارزات سیاسی زنان مسلمان، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵)
 ۶. ر.ک. به: مجموعه مقالات همایش بزرگداشت پنجاهمین سالگرد شهادت نواب‌صفوی و فدائیان اسلام، ج ۱، اندیشه‌های سیاسی اجتماعی، به کوشش رحیم نیکبخت، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
 ۷. همان، صص ۲۰۰-۱۹۸.
 ۸. همان، ص ۲۲۵.
 ۹. ر.ک. به: جمعیت فدائیان اسلام به روایت اسناد، به کوشش احمد گل‌محمدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.



۱۰. صحیفه امام خمینی، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ص ۳۰۵.
۱۱. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده وقایع ۱۵ خرداد، ش ب ۱۱۵، س ش ۳۲.
۱۲. برای اطلاع بیشتر ر ک به: صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی، ج تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
۱۳. برای اطلاع بیشتر ر ک به: محمدحسن رجبی، زندگینامه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۴. خاطرات احمد احمد، به کوشش محسن کاظمی، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۷۹، صص ۸۷-۸۴.
۱۵. ر ک به: علی دوانی، مفاخر اسلام، ج ۱۳، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶.
۱۶. ر ک به: سازمان مجاهدین خلق پیدایی تا فرجام (۱۳۸۴-۱۳۴۴)، به کوشش جمعی از پژوهشگران، ۳ جلد، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴.
۱۷. برای اطلاع بیشتر ر ک به: مظفر مهرآبادی، تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۸. برای اطلاع بیشتر ر ک به: فاطمه جلالوند، آن روزهای نامهربان (یاد رنج‌هایی که برده‌ایم...)، تهران، سوره عبرت، ۱۳۸۵.
۱۹. ر ک به: خاطرات طاهره سجادی (غیوران)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۲۰. خاطرات سید مرتضی نبوی، به کوشش جواد کامور بخشایش، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۵، ص ۹۶.
۲۱. ر ک به: حماسه اندرزگو، بر اساس اسناد و خاطرات، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۲. خاطرات مرضیه حدیدی (دباغ)، به کوشش محسن کاظمی، تهران، سوره مهر، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۲۳. جلیل امجدی، تاریخ شفاهی سازمان مهدویون، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، صص ۱۱۴-۱۱۰.
۲۴. رحیم نیکبخت، جنبش دانشجویی تیریز به روایت اسناد و خاطرات، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۱، صص ۶۸۸-۶۸۶.
۲۵. سید مسعود موسوی آشان، زندگی‌نامه شهید علی قدوسی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۶۰.
۲۶. همان، ص ۶۱.
۲۷. زندگانی علمی و حیات اجتماعی بانو امین (۱۳۶۲-۱۲۶۵ ش) شایسته انجام پژوهش و همایش بزرگداشت است تا به عنوان الگوی مناسب زن ایرانی مطرح گردد.
۲۸. یاران امام به روایت اسناد ساواک، آیت‌الله حاج سید حسین خادمی، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰، صص ۵۲-۵۰.
۲۹. آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده آیت‌الله سید علی خامنه‌ای.
۳۰. آیت‌الله شیخ جواد قومی حائری به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷، صفحه نوزده و بیست مقدمه.
۳۱. برای اطلاع از زندگانی و مبارزات آیت‌الله شیخ عباسعلی اسلامی، ر ک به: حجت‌الاسلام حاج شیخ عباسعلی اسلامی به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۳ و حجت‌الاسلام
۳۲. شیخ عباسعلی اسلامی، طلایه‌دار فرهنگ اسلامی در عصر اختناق، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۳۳. حمید کرمی‌پور، جامعه تعلیمات اسلامی (آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی اسلامی و نقش ایشان در انقلاب اسلامی)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۹۸.
۳۴. رحیم نیکبخت، تاریخ شفاهی زندگانی و خدمات فرهنگی اجتماعی آیت‌الله حائری تهرانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، (زیر چاپ)، صص ۱۷۰-۱۶۸.
۳۵. برای اطلاع بیشتر ر ک به: خاطرات ابوالفضل توکلی‌بینا، تدوین محمود طاهر احمدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲ و آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با خانم بهجت افروز، ۱۳۸۲.
۳۶. از جمله می‌توان به خانم دباغ، همسر آقای محتشمی، خانم بهروزی اشاره کرد. (مقصود رنجبر، عروج از زندان زندگی و مبارزات شهید آیت‌الله سعیدی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، صص ۱۶۱-۱۶۰).
۳۷. برای اطلاع بیشتر ر ک به: رحیم نیکبخت، زندگی و مبارزات شهید آیت‌الله دکتر محمد مفتح، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
۳۸. حسینی ارشاد به روایت اسناد، تدوین محبوبه جودکی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، صص ۳۲-۳۱.
۳۹. روح‌الله حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۸۷۷.
۴۰. همان، ص ۸۷۸.
۴۱. منیره صدری، «نگاهی به جنبش دانشجویی ایران از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی»، نقش مساجد و دانشگاه‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، سند شماره ۱، ص ۱۷۵.
۴۲. همان، سند شماره ۱/۳، ص ۱۸۱.
۴۳. حسینیان، پیشین، ص ۸۸۰.
۴۴. غلامرضا جلالی، تقویم تاریخ خراسان از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۲۶۱.
۴۵. غلامرضا جلالی، انقلاب اسلامی در مشهد، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶ (زیر چاپ)، ص ۲۷۱.
۴۶. از جمله یکی از روزنامه‌های مشهد به نام «آفتاب شرق» که مطالب اهانت‌آمیزی چاپ کرده بود. در پی اطلاع طلاب از مطالب منتشرشده در اعتراض دروس را تعطیل کردند. (ساواک و روحانیت، بولتن‌های نوبه‌ای ساواک، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۲۰۸).
۴۷. نیکی، آر. کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۴۱۹.
۴۸. انقلاب ایران به روایت رادیو بی. بی. سی، به کوشش عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، تهران، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۲۵.
۴۹. ر ک به: محمد طحان، تاریخ شفاهی ۱۷ شهریور، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶ و نیز دکتر سید محمدهاشم پوریزدان‌پرست، همگام با مردم در انقلاب اسلامی، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۶.
۵۰. خاطرات خانم طاهره لباف، تدوین عباس پناهی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، (زیر چاپ)، ص ۶۵.